

**به عنوان بهترین بازیگر مرد سال و به عنوان هنرمندی که از دهه هشتاد در حوزه تلویزیون حضور دارد و با عملکرد آن کاملاً آشناست، چه چشم اندازی را برای تلویزیون در سال ۱۴۰۳ می بینید؟**

اول خدمتتان عرض کنم که من واقعا بهترین بازیگر مرد سال نیستم، من در یک جشنواره های به نام جشنواره فیلم فجر که یک تعدادی فیلم و یک تعدادی از هنرمندان عزیز در آن حضور داشتند، افتخار دریافت این جایزه را داشتم و عنوان بهترین بازیگر مرد سال، برای من یک مقدار سنگین است به دلیل این که در آن جشنواره خیل عظیمی از بازیگران درجه یک این مملکت حضور نداشتند و به هر حال همیشه سلیقه ها و علائق شخصی هم در نوع جایزه دادن وجود دارد و این را نمی شود بسط و گسترش داد، کمالین که حتی به بازیگری که جایزه اسکار را دریافت کند یا از جشنواره کن جایزه بگیرد هم نمی شود گفت که بهترین بازیگر سال مثلا هالیوود یا بهترین بازیگر سال جهان بوده است. بنابراین این عنوان یک مقدار برایم سنگین است و این گونه به آن نگاه می کنم که من این افتخار را داشتم که نامم در کنار بسیاری از بزرگان، به عنوان دریافت کننده سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد، قرار بگیرد.

در ادامه باید بگویم که من چشم انداز تلویزیون در سال ۱۴۰۳ را مانند سال های گذشته بسیار نگران کننده می بینم. در واقع اگر صداوسیما با همین سبک و سیاق مدیریتی و تفکری پیش برود، ریزش بینندگان تلویزیون هم ادامه خواهد داشت. از آن طرف شبکه نمایش خانگی، پلتفرم ها و سکویهای نمایشی که هر روز هم دارد به تعدادشان اضافه می شود، قدرتمندتر می شوند.

با چنین چشم اندازی من فکر می کنم اگر صداوسیما به این شکل جلو برود، تا ۵، ۴ سال آینده اصلا به صرفه باشد که دیگر تلویزیون را به طور کامل تعطیل کنند و بودجه اش را صرف کارهای عمرانی در مملکت کنند. چون هر خوراکی را که مردم به لحاظ رسانه ای لازم دارند در شبکه نمایش خانگی برایشان به بهترین شکل در دسترس است و بهترین هنرمندانشان را می توانند در آن جایبندند.

به نظرم تنها نکته مثبت تلویزیون در طول این سال ها، پخش زنده فوتبال های خارجی است که آن هم احتمالا پلتفرم ها به زودی به برنامه هایشان اضافه می کنند، با گزارش گزارشگرهایی که تلویزیون آن ها را از خودش دور کرده مانند عادل فردوسی پور.

در خاتمه باید بگویم با وجود بعید به نظر رسیدن اصلاح وضعیت تلویزیون و با این که اگر یک زمانی بالاخره مسئولین دلشان برای آن بسوزد و دست به کار شوند، مسیری بسیار طولانی پیش رو خواهند داشت؛ باز هم امیدوارم که این اتفاق رقم بخورد و تلویزیون به جایگاه اصلی اش برگردد.



**به نظر من بزرگ ترین نقطه قوت رسانه ملی این است که به هر حال یک گستردگی ای دارد که می تواند تماشاگر بسیار زیادی داشته باشد.**



**امیدوارم از حرف هایم سوء تعبیر نشود، ورود چهره های جدید هیچ ایرادی ندارد چون هنر اصلا سن و سال نمی شناسد، هنر سن باز نشستگی ندارد. ورود چهره های جدید هیچ اشکالی ندارد اگر که دانش و توانایی کاری که در آن ورود کرده اند را داشته باشند. اما متاسفانه چنین چیزی را شاهد نیستیم. اگر شرایطی را فراهم می کردند تا نیروهای جوان و تازه کار در کنار این بزرگان کار کنند و بیاموزند و بعد از آن با تجربه ای که در کنار آن ها کسب کرده اند، کار اصلی خود را آغاز کنند؛ چنین اتفاقاتی پیش نمی آید**



خیلی شجاع بوده اند. به نظر من کمدی ای دیگر در تلویزیون وجود ندارد. کمدی که مسخره کردن و توهین کردن نیست، ابتذال را که نمی شود کمدی نامید. کمدی ژانر بسیار سخت و حیطة بسیار ظریفی است که واقعا از عهده هر کسی بر نمی آید با این حال ما بسیار کم دین و برنامه سازهای درجه یکی در این زمینه داشتیم. خیلی هم نمی خواهیم به گذشته برگردیم، مهران مدیری و رامید جوان از نمونه های بارز و کم دین های درجه یکی هستند که هم در حوزه شو، برنامه و ریالیتی شو ساختن و هم در زمینه سریال سازی ثابت شده اند همچون رضا عطاران و سعید آقاخانی، این ها سرمایه های کمدی این کشور و مردم هستند که همه شان رانده شده اند. فقط سعید آقاخانی مانده که به نظر من همچنان با سریال «تون خ» دارد دست و پاهای آخر را می زند تا شرافت کمدی و برنامه و سریال طنز رانده نگه دارد. بقیه را که اصلا به نظر من صحبت کردن در موردشان هم واقعا وقت بیهوده تلف کردن است.

**به نظر شما زنگ خطر صدا و سیما در سال ۱۴۰۳ چیست؟**

زنگ خطر صداوسیما مربوط به سال ۱۴۰۳ نیست، چندین و چند سال است که زنگ خطر برای صداوسیما به صدا در آمده و کسی توجهی به آن ندارد! با یک بررسی خیلی ساده آماری می توان میزان مخاطب تلویزیون را، خیلی هم نمی خواهد به عقب برگردید، فقط در ده سال اخیر بررسی کنید. قطع به یقین به شما می گویم که در ده سال اخیر این روند همواره کاهشی و نزولی بوده و از این به بعد هم ادامه خواهد داشت مگر این که تفکرات مدیریتی کلان و خرد در سازمان صداوسیما یک تغییر کلی بسیار جدی و اساسی کند.

تسویه حساب های شخصی کردن با افراد فارغ از این که آن فرد چه اثرگذاری و چه هنری را دارد و چه قدر می تواند در جذب مخاطب تأثیر داشته باشد.

**موفق ترین سریال ساز و برنامه ساز و خلاق ترین مجری تلویزیون ما از نظر شما کیست؟**

واقعا نمی توانم به یک نفر اشاره کنم. ما کارگردان های درجه یک بسیاری در حوزه سریال سازی داریم مثل داود میرباقری، امیراله احمدجو، حسن فتحی، علی رضا افخمی، اصغر هاشمی، همایون اسعدیان و کمال تبریزی و... در حوزه برنامه سازی تلویزیونی هم بزرگان بسیاری هستند مانند داریوش کاردان، زنده یاد متوجه نورذری، رضا رشیدپور، فرزاد حسنی، احسان علی خانی، فرزاد حسنی و دوستان بسیار عزیزی چون مهران مدیری و رامید جوان که از سرمایه های برنامه سازی در حیطة های مختلف در تلویزیون بودند و به لحاظ اجرا هم به نظر من فرزاد حسنی، محمد سلوکی، رضا رشیدپور از بزرگانی هستند که در زمینه اجرا واقعا صاحب سبک و صاحب اندیشه بودند و هستند و به نظرم جای خالی شان در تلویزیون بسیار احساس می شود.

**به تازگی از سمت مدیر گروه اجتماعی شبکه سه رسانه؛ در صدی به عنوان میزان مخاطب برنامه های کمدی رسانه ملی اعلام و صراحتا ذکر شده مثلا برنامه ای با ۵ درصد، برنامه ای دیگر ۱۹ درصد... به نظر تان این آمار چقدر صحت دارد؟**

اگر این درصدها را اعلام کرده اند که به نظرم